

مطالعه تطبیقی جعل اسکناس در حقوق کیفری افغانستان و ایران

امید رستمی غازانی*

وحیدالله حمیدی*

چکیده

اگرچه وجود اسکناس یا پول در رشد اقتصادی و ارتقای سطح زندگی و رفاه جامعه نقش بسیار زیادی دارد، نباید نادیده گرفت که اسکناس‌های جعلی و بدون پشتوانه، سبب کاهش ارزش پول و افزایش قیمت کالا و خدمات می‌شود. جعل اسکناس، یکی از جرایمی است که زیرمجموعه جرایم علیه آسایش عمومی قرار دارد و به صورت مستقیم آسایش مردم را نشانه می‌گیرد و از طریق این جرم، مردم زیادی خسارت می‌بینند و حتی به جامعه و نظام پولی و بانکی کشورها نیز ضرر می‌رسد و این امر موجب سلب اعتماد عموم مردم نسبت به اسکناس نیز می‌گردد. بنابراین باید توجه کافی برای حفظ سلامت و جلوگیری از اختلال در نظام اقتصادی، پولی و بانکی و اعتماد مردم نسبت به اسکناس داشت. همچنین سرعت و سهولت ترویج اسکناس‌های مجعول در مدت کوتاه، سبب ایجاد ضرر به تعداد زیاد مردم و جامعه می‌شود. جعل اسکناس، در افغانستان و ایران با توجه به قوانین دو کشور، و تفاوت‌هایی که در عنصر مادی و مجازات این جرم با یکدیگر دارند، قابلیت بحث و بررسی دارد. البته یکی از تفاوت‌ها این است که شروع به جرم جعل اسکناس در افغانستان، به مثابه جرم تام قرار داده شده، ولی در حقوق ایران چنین نیست. آسیب این جرایم به آسایش عمومی کشور به‌ویژه در زمانی که در سطح کلان باشد، امر کاملاً روشن و بدیهی است. جعل اسکناس، یکی از خطرناک‌ترین جرایم است که اعتماد مردم را نسبت به اسکناس سلب می‌کند و دادوستد آنها را با مشکل روبه‌رو می‌سازد و از آن جهت که جرایم جعل اسکناس در نظام اقتصادی اختلال ایجاد می‌کند و یا به نظام پولی و بانکی آسیب می‌رساند، با مرتکبان آن باید برخورد جدی و قاطع صورت گیرد. یکی از دلایلی که قانون‌گذاران کشورها به‌ویژه افغانستان و ایران مجازات‌های شدیدی برای مرتکبان این جرم در نظر گرفته‌اند، همین موضوع است. با پژوهشی که صورت گرفته، نقاط قوت و ضعف قوانین افغانستان و ایران و نیز تفاوت‌های موجود بین این دو نظام حقوقی مشخص می‌گردد.

کلید واژگان: جعل، پول، جعل اسکناس رایج، اختلال در نظام پولی و بانکی، جرایم اقتصادی.

o.rostamighazani@gmail.com

wahid.19hamidi@gmail.com

پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۲۳

* استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه بین‌المللی اهل بیت(ع)

* ماستر حقوق جزا و جرم‌شناسی

دریافت: ۱۴۰۲/۱/۱۹

مقدمه

جعل اسکناس، زیرمجموعه جرایم علیه آسایش عمومی است که به آسایش عمومی ضربه می‌زند و اعتماد مردم نسبت به اسکناس را سلب می‌کند. جعل اسکناس، نه تنها سبب سلب آسایش مردم می‌گردد که حتی دادوستد بین مردم را مختل، و به اقتصاد مردم و دولت ضربه وارد می‌کند. به دلیل اهمیت این جرم در این زمینه، حتی برخی اصول شناخته شده حقوق کیفری نیز عدول می‌شود. امروزه اصل صلاحیت سرزمینی یا درون مرزی بودن حقوق جزا، اصلی پذیرفته در حقوق جزای کشورهاست.

حاکمیت دولت‌ها اقتضا می‌کند که مقررات کیفری هر کشور، محدود به جرایم ارتكابی در داخل قلمرو حاکمیت آن کشور باشد و جرایم ارتكابی در فراسوی مرزهای یک کشور، در صلاحیت قوانین و مراجع قضایی داخلی قرار نگیرد؛ اما به لحاظ اهمیت این جرایم و رعایت مصالح، قانون‌گذاران کشورها، در ارتباط با برخی جرایم که در توازن حاکمیت و اقتدار کشور نقش مهم دارند، از این اصل عدول کرده‌اند و ارتكاب این جرایم را که یکی از آنها جعل اسکناس است، حتی در خارج از قلمرو حاکمیت خود، در صلاحیت قوانین و مراجع قضایی داخلی قلمداد می‌نمایند.

صلاحیت رسیدگی به این جرم مطابق قانون، از صلاحیت قانون دولتی است که اسکناس آن جعل شده، اما این جرم بدون در نظر داشتن امکان ارتكاب جرم و تابعیت مرتکب آن، به دلیل آسیب‌رساندن به مصلحت اساسی بین‌المللی، قابل تعقیب و مجازات توسط همه کشورهای است که آن اسکناس جعلی در آنها یافت شده است. حتی نسبت به کشوری که در قانون جزای خود این قاعده را در نظر نگرفته، این قاعده در هر دو کشور در موضوع جعل اسکناس، استثنا شده است.

در ماده ۲۰ کد جزا در این مورد چنین مقرر می‌دارد: «۱. احکام این قانون برای شخصی که در خارج از قلمرو کشور مرتکب یکی از جرایم ذیل شود، تطبیق می‌گردد: ... ۳. جعل بانکنوت، سکه‌های فلزی و اسناد بهادار مندرج ماده ۲۸۴ این قانون یا داخل ساختن آن به افغانستان».

قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران، در ماده ۵ قانون مجازات اسلامی از این اصل صرف‌نظر می‌کند و مقرر می‌دارد: «هر شخص ایرانی یا غیر ایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرایم زیر یا جرایم مقرر در قوانین خاص گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود... ث) جعل اسکناس رایج یا اسناد تعهدآور بانکی ایران و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق مشارکت صادر شده یا تضمین شده از طرف دولت یا تهیه یا ترویج سکه قلب در مورد مسکوکات رایج داخل».

در این تحقیق نخست به عناصر این جرم و بعد به مجازات مقرر برای این جرم پرداخته می‌شود. این تحقیق به صورت تطبیقی در دو نظام حقوقی افغانستان و ایران بررسی می‌شود. قبل از اینکه به

عناصر جرم جعل اسکناس بپردازیم، لازم است مواد قانونی به کاررفته در این جرم را بیان کنیم و بعد به عناصر مادی و معنوی و نیز به مجازات این جرم بپردازیم که به قرار زیر است.

فصل چهارم کد جزای افغانستان ۱۳۹۶ از ماده ۲۸۴ به بعد را به این جرم اختصاص داده که با عنوان جعل پول، مسکوکات و مجازات آن بیان گردیده است. ماده ۲۸۵ نیز به مجازات جعل پول پرداخته است. در حقوق ایران مواد ۵۲۳، ۵۲۵ و ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی تعزیرات ۱۳۷۵ به جرم جعل اسکناس اختصاص داده شده است. ماده ۱ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ و ماده ۲ قانون یاد شده، به مجازات می پردازد.

درخصوص مجازات جرم جعل اسکناس، اگر واجد وصف اخلال در نظام اقتصادی باشد، به جای عمل به ماده ۲ قانون مجازات اخلال گران، به مقررات ماده ۵۲۶ عمل می گردد (منصور آبادی و فتحی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۲). یادآوری می شود که جعل اسکناس، از نظر عنصر قانونی، در حقوق ایران از دو جهت زیر جای تأمل و بررسی دارد:

اول اینکه - چنانچه جعل اسکناس به گونه ای ارتکاب یابد که سبب اخلال در نظام اقتصادی کشور نگردد، در این صورت طبق مقررات بند ۵ ماده ۵۲۵ قانون مجازات اسلامی تعزیرات ۱۳۷۵ خواهد بود.

دوم اینکه - اگر جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آن، به قصد ضربه زدن به نظام کشور باشد، یعنی شامل وارد کردن به کشور یا توزیع نمودن عمده آنها، موجب ایجاد اخلال در کشور گردد، در آن صورت، مشمول قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی می شود (ولیدی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۶). همچنین به موجب ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس و واردکنندگان توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اسکناس مجعول، مصوب ۱۳۶۸ به جعل اسکناس، در صورت قصد مبارزه با نظام و بانندی بودن، به این قانون عمل می شود.

در مورد رابطه بین سه قانون بالا باید یادآور شد اینکه بین این سه قانون، میان حقوق دانان اختلاف نظر وجود دارد، برخی معتقداند که قانون تشدید مجازات جاعلان، نسخ شده و برخی دیگر به طور مستند، به نظر مشورتی شورای نگهبان معتقد هستند و مقرره مجمع تشخیص مصلحت نظام، همچنان حاکم بوده و مصوبات مجلس شورای اسلامی قدرت نسخ آن را ندارند. به نظر می رسد، نظر نزدیک به صواب، نظریه دوم بوده و قابل اجراست (آزادفر و رحیمی نیت، ۱۳۹۵، ص ۱۰۱). یکی دیگر از تفاوت ها بین این سه قانون، در این است که قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس مصوب ۱۳۶۸، درخصوص اسکناس رایج داخلی بوده و اشاره ای به اسکناس رایج خارجی نکرده است. این در حالی است که ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ نسبت به اسکناس داخلی و خارجی جرم انگاری شده است.

البته یکی از دغدغه‌های کنونی در قوانین ایران درباره جعل اسکناس، پراکنده بودن قوانین مربوط به جعل اسکناس است. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، قانون‌گذار ایران در سه قانون، جعل اسکناس را مورد جرم‌انگاری قرار داده و در قسمت مجازات جرم مورد نظر، تنها دو مجازات اسلامی و قانون تشدید مجازات جاعلان، معتبر است.

الف: عنصر مادی جعل اسکناس

عنصر مادی جرم، عبارت است از هر چیزی که به جرم، صورت خارجی می‌دهد. به عبارت دیگر، شرایط مادی لازم و ضروری برای تحقق هر جرم، عنصر مادی آن جرم خوانده می‌شود. عنصر مادی هر جرم اجزای مختلف دارد و یکی از مهم‌ترین جزء آن، رفتار مجرمانه است. افزون‌بر این، در جرایمی که مقید به نتیجه است، نتیجه حاصل از رفتار مجرمانه نیز جزء دیگری از عنصر مادی به شمار می‌آید. همچنین بر حسب نوع جرم، قانون‌گذاران شرایط و جهات مختلف دیگری، همچون وصف و خصوصیات مرتکب، وسیله، زمان و مکان جرم و غیره را در تحقق جرم مؤثر دانسته‌اند که این شرایط نیز بخشی از عنصر مادی جرایم را شکل می‌دهند.

در این مبحث از تحقیق، به رفتار مرتکب، شرایط اوضاع و احوال و نتیجه جرم جعل اسکناس پرداخته می‌شود.

۱) رفتار مرتکب

از نظر رفتار مرتکب، جرم جعل اسکناس، از جرایمی است که تنها با فعل مثبت مادی قابل ارتکاب است و موردی از ارتکاب آن را نمی‌توان یافت که با ترک فعل محقق شود. (آزادفر و رحیمی نیت، ۱۳۹۵، ص ۱۰۱) براساس قوانین جزایی افغانستان و ایران، رفتار مرتکب این جرم، شامل رفتارها و عملکردهای زیر می‌شود. نا گفته نماند که بعضی از رفتارها در کد جزا و بعضی در قانون مجازات اسلامی تصریح نشده و آنها نیز در این بخش از تحقیق بررسی می‌شود.

۱-۱. تقلید کردن

مطابق جزء ۱ فقره ۱ ماده ۲۸۴ کد جزای افغانستان، اولین مصداق رفتار مجرمانه در عنصر مادی جرم جعل اسکناس، تقلید است که عبارت است از ساختن پول شبیه پول رایج و مورد استفاده، به هر وسیله‌ای که باشد. با توجه به مطلب بالا چنین به نظر می‌رسد که قانون میان تقلید دقیق و تقلید غیر دقیق فرقی قائل نشده است. پس شرط وقوع تقلید این نیست که پول جعل شده، از جهت شکل و اندازه با پول واقعی مطابقت داشته باشد. کافی است میان اسکناس جعلی و اسکناس واقعی به اندازه‌ای شباهت وجود داشته باشد که با آنها دادوستد شود و ممکن باشد برخی از افراد فریب بخورند. تشخیص این مسئله نیز به محکمه محول شده است (غلامی، ۱۳۹۹، ص ۴۹).

در تقلید اسکناس، جاعل تلاش می‌کند از طریق کپی کردن، نوعی قلب حقیقت نماید و مانند اسکناس واقعی، شبیه‌سازی کند، به‌گونه‌ای که افراد عادی به غیر از کارشناسان، میان اسکناس واقعی و جعلی نتوانند فرق بگذارند. برای مثال، اگر کسی اسکناس ۲۰ افغانی را به صورت ورق A۴ چاپ نماید، به دلیل تفاوت ظاهری اش، مشمول این رفتار مجرمانه نمی‌گردد. در فقره ۴ ماده ۲۹۳ کد جزا چاپ‌کردنی که کمتر از سه چهارم و یا بیشتر از یک و نیم برابر طول یا عرض اسکناس اصلی بوده باشد یا شکل آن سیاه و سفید باشد و یا اینکه مشابهت در یک روی اسکناس بوده باشد، از عنوان جرم جعل خارج دانسته شده است (منصوری و طاهری، ۱۳۹۸، ص ۲۴۲). لازم به یادآوری است که اسکناس در افغانستان با عنوان (بانک‌نوت) بیشتر استفاده می‌شود که همان معنی اسکناس را افاده می‌کند.

در عمل تقلید اسکناس مروج، «تقلید» نمودن در واقع مهم‌ترین عنصر سازنده رفتار مجرمانه در جرم جعل خوانده می‌شود. تقلید، به‌نوعی همان «قلب حقیقت» است که براساس آن، مرتکب اقدام به تهیه اسکناس غیر واقعی می‌نماید. مهم‌ترین شرط تقلید که در این جزء نیز به آن تصریح شده، «شبیه‌سازی یا شباهت» در عمل تقلید پول غیر واقعی است. حال اگر در اسکناس جعل شده، با پول واقعی شباهت وجود نداشته باشد، رفتار صورت‌گرفته را نمی‌توان مشمول حکم جعل اسکناس دانست. (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۸، ص ۱۶۲) به طور مثال، اگر فردی اقدام به جعل بانک‌نوت ۲۰۰ دالر یا بانک‌نوت ۲۰۰۰ افغانی نماید و یا اینکه فردی اقدام به جعل ۱۰۰۰ افغانی به اندازه ورق A۴ نماید، تقلید صورت‌گرفته در بانک‌نوت یا اسکناس، دقیقاً باید از جهت ویژگی‌های اصلی همانند رنگ، اندازه، تصاویر یا مبلغ، شبیه اسکناس یا بانک‌نوت واقعی باشد، به‌صورتی که اشخاص عادی به‌طور عرف فریب بخورند.

بنابراین اگر فردی اقدام به جعل اسکناسی نماید، اما از جهت ویژگی‌های اصلی همانند رنگ، اندازه، تصویر و یا مبلغ، با اسکناس واقعی تفاوت وجود داشته باشد، عمل صورت‌گرفته، مشمول حکم جعل اسکناس نمی‌گردد؛ هرچند ممکن این عمل را شامل دیگر رفتارهای مجرمانه در قانون دانست.

۲-۱. ساختن

اگرچه ساختن، زیرمجموعه تقلیدکردن قرار می‌گیرد، جداگانه بررسی می‌شود. بنابراین ساختن، عبارت از درست کردن، چیزی را آماده کردن، بناکردن و پدیدآوردن است و ساختگی، چیزی جعلی و مصنوعی را گویند (دهخدا، ۱۳۷۳، ماده ۱۱۶۳۸). یا ساختن، عبارت است از دگرگون ساختن یک حقیقت، به یکی از صورت‌هایی که در قانون ذکر شده باشد. پس ساختن، به عملی گویند که نوشته یا سندی قبلاً وجود عینی نداشته و مرتکب، آن را خلق و ایجاد نموده باشد. به عبارت بهتر، ساختن اسکناس جعلی، این است که هیچ‌گونه سابقه قبلی از آن نباشد و مرتکب به‌وجودآورنده آن، به‌صورت ابتدا به ساکن باشد. ساخت بانک‌نوت جعلی منقش یا سفید، یکی از رفتارهای فیزیکی

جرم جعل خوانده می‌شود (منصوری و طاهری، ۱۳۹۸، ص ۲۴۵). برای اینکه شخصی را در جرم جعل اسکناس مجرم دانست، باید شخصاً دست به ساختن اسکناس‌های جعلی رایج داخلی و خارجی زده باشد (گلدوزیان، ۱۳۹۶، ص ۵۷۲).

قانون‌گذاران هر دو کشور در قوانین جزایی، ساختن را به‌عنوان یکی از رفتارهای مرتکب مقرر نموده است. در کد جزای افغانستان ماده ۲۸۴ تصریح گردیده: «شخصی که یکی از اعمال ذیل را انجام دهد، مرتکب جرم جعل پول شناخته شده و مطابق احکام این فصل، مجازات می‌گردد: ... ۳. ساختن بانک‌نوت منقش یا سفید، به شکل کامل یا غیر آن...»؛ ولی در قانون مجازات اسلامی ایران ماده ۵۲۳ چنین مقرر می‌دارد: «جعل و تزویر عبارتند از: ساختن نوشته یا سند، یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیر رسمی... به قصد تقلب».

موضوع رفتار مجرمانه در این جزء از کد جزا شامل «ساختن بانک‌نوت جعلی» یا همان اسکناس است. البته ساختن بانک‌نوت جعلی، چه به‌صورت منقش و یا به‌صورت سفید و نیز چه به‌صورت کامل و چه به‌صورت غیر کامل مد نظر است. بانک‌نوت منقش، به بانک‌نوت‌هایی گفته می‌شود که در واقع مقدار یا شکل بانک‌نوت، مشخص شده است، درحالی‌که بانک‌نوت سفید، شامل آن دسته از بانک‌نوت‌هایی می‌شود که مقدار یا شکل ظاهری آن مشخص شده نیست. (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۸، ص ۱۶۵)

بنابراین تفاوتی که بین این دو قانون درباره ساختن اسکناس‌های جعلی دیده می‌شود، این است که کد جزای افغانستان در ساختن، عنوان رفتارهای دیگر مثل «ساختن بانک‌نوت منقش و سفید» را نیز شامل ماده نموده است، مانند رفتار مجرمانه براساس این جزء از ماده ۲۸۴ کد جزا؛ اما در قانون مجازات اسلامی ایران، از بانک‌نوت یا اسکناس منقش و سفید چیزی مشاهده نمی‌شود.

۳-۱. دستکاری کردن

براساس جزء ۴ فقره ۱ ماده ۲۸۴ کد جزا، دستکاری بانک‌نوت^۱ جرم بوده و فعل دستکاری، عبارت از ایجاد تغییر حقیقت در ماهیت اسکناس مروجه واقعی است. براین اساس یکی دیگر از رفتارهای مرتکب جرم جعل اسکناس، دستکاری یا تغییر بانک‌نوت واقعی است، به‌گونه‌ای که شبیه بانک‌نوت رایج که ارزش اسمی بالاتر دارد یا به‌جای آن، پذیرفته شود. در این شیوه، مرتکب جرم، از طریق دستکاری در اسکناس رایج، ارزش آن را کم یا زیاد می‌کند، مثل اینکه اسکناس ۱۰۰ افغانی را با اضافه‌نمودن یک صفر دیگر، به ۱۰۰۰ افغانی تبدیل نماید. (منصوری و طاهری، ۱۳۹۸، ص ۲۴۶) یا برای مثال، اسکناس ۱۰۰۰۰۰۰ ریالی را با اضافه‌نمودن یک صفر بیشتر، به ۱۰۰۰۰۰۰۰

۱. پول کاغذی یا اسکناس.

ریال تبدیل نماید. در نظام حقوقی ایران طبق ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی ایران، جعل اسکناس، هم به صورت ساختن و هم تغییر دادن مندرجات آن آمده است، ولی به نظر می‌رسد، تغییر دادن مندرجات اسکناس، با توجه به شیوع آن، جزو جعل اسکناس قرار نگیرد، مانند آنکه ۵۰۰۰۰ ریالی به ۷۰۰۰۰ ریالی تبدیل شود یا اینکه امضای وزیر اقتصاد بر روی پولی جعل شود، یا اینکه برخی نقوش و طرح‌های پول عوض گردد. این اقدامات نه فایده عملی دارند و نه سببی برای گمراهی مردم می‌گردد. باین حال باید پذیرفت که تغییر دادن و ساختن، هر دو رفتار فیزیکی جعل هستند و در اینجا نیز می‌توان مصداق داشته باشند. در آخر، آنچه بیشتر اهمیت دارد، این است که شباهت به وجود آمده بین اسکناس جعلی و اسکناس واقعی، رعایت گردیده باشد. بنابراین اسکناس‌هایی که از دور خارج شده‌اند، ممکن است چون جعل آنها قابلیت ضرر رساندن به دیگران و اقتصاد کشور را ندارد و نیز اسکناس‌های معمولی که با اسکناس‌های واقعی شباهتی ندارند، مشمول عنوان این جرم قرار نگیرند. (ولیدی، ۱۳۹۳، صص ۱۳۸ و ۱۳۹)

۲) شرایط، اوضاع و احوال

با انجام دادن صرف رفتارهای مادی، عنصر مادی جرم جعل اسکناس کامل نمی‌گردد، بلکه افزون بر انجام عمل مادی، قانون‌گذار برای تحقق جرم، آن را بسته به شرایطی دانسته که این شرایط یا جنبه وجودی دارند و یا جنبه عدمی. قانون‌گذار باید خود، این شرایط و اوضاع و احوال را لازم دانسته باشد. برخی موارد هم در رویه‌های قضایی ضروری دانسته می‌شوند؛ چون برخی شرایط در ارتباط با برخی جرایم، در قانون تصریح نمی‌شوند، از این جهت رأی دادگاه ملاک قرار می‌گیرد. یکی از این موارد، جرم جعل اسکناس است. در قوانین ایران در بحث جعل، به‌طور کلی و جعل اسکناس به‌طور خاص، این مسئله ذکر شده که آیا شبیه‌سازی در این موارد هم لازم است یا خیر؟

مسئله شبیه‌سازی، یکی از مسائلی است که در این قسمت بحث می‌شود (شریفی گرم‌دره، ۱۳۸۱، صص ۶۷ و ۶۸). این مسئله، در کد جزا روشن و صریح آمده است که در جای خود به آن پرداخته می‌شود. شرایطی که در اینجا به آن اشاره می‌کنیم، عبارتند از اینکه موضوع جرم باید اسکناس باشد؛ شبیه‌سازی صورت گرفته باشد و اسکناس باید رواج قانونی داشته باشد و در کنار اینها نیز برخی شرایط هست که به برخی مقررات خاص اختصاص دارد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۲-۱. مرتکب

قانون‌گذاران هر دو کشور از مرتکب، به عنوان‌های مختلف یاد کرده‌اند، اما هر دو به یک معنی است. ماده ۲۸۴ کد جزا از عبارت «شخص» استفاده کرده و منظور از آن، تمام اشخاص جامعه اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی است؛ اما قوانین کشور ایران طبق مواد ۵۲۵، ۵۲۶ قانون تعزیرات، ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلان. و بند ۱ قانون مجازات اخلاص نظام اقتصادی کشور،

عبارت «هرکس» را به کار برده است. بنابراین حکم این ماده، شامل حال همه اشخاص حقیقی و حقوقی می‌گردد (شامبیاتی، ۱۳۹۸، ص ۳۰۰).

البته این مطلب را باید در نظر داشت که اسکناس یک کشور، لزوماً توسط افراد یک جامعه و در داخل آن کشور جعل نمی‌شود، بلکه در بیشتر موارد، این امر را باندهای بین‌المللی انجام می‌دهند. اصطلاح باند، برای گروه‌هایی به کار گرفته می‌شود که هدفشان، اختلال در مسائل امنیتی و سیاسی کشور است. به این ترتیب، باند عبارت است از مجموعه افرادی که برخلاف نظم و امنیت سیاسی-اجتماعی فعالیت، و گاه اهدافی را دنبال می‌کنند که مخالف موازین اخلاقی و انسانی است. (همان) در مورد جعل اسکناس به صورت باندهای، در مباحث بعدی بحث خواهد شد.

۲-۲. موضوع

موضوع جرم جعل اسکناس، براساس مواد ۲۸۴ و ۲۸۶ کد جزای افغانستان و بند ۵ ماده ۵۲۵ و ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی و نیز قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور «پول رایج داخلی و خارجی» است. پول رایج، مشمول اسکناس داخلی و خارجی می‌گردد. اگر اسکناس داخلی و خارجی از دور خارج شده باشد و کسی پس از انقضای تاریخ آن، آن را جعل کند، مشمول احکام جعل اسکناس نخواهد شد. (منصوری و طاهری، ۱۳۹۸، ص ۲۴۷) در قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس و... فقط اسکناس رایج داخلی را شامل می‌گردد و شامل اسکناس خارجی نمی‌شود.

۲-۳. شبیه‌سازی

یکی از شرایط اساسی جرم جعل اسکناس، شباهت داشتن اسکناس جعلی به اسکناس اصلی است و این شباهت، در تقلید اسکناس ضروری است. بنابراین اگر اسکناس جعلی، شباهتی از جهت اندازه، رنگ و تصویر نداشته باشد، عمل تقلید یا جعل تحقق نیافته است. در عنصر شباهت صرف شباهت ظاهری که بیننده را در نگاه اول به اشتباه بیندازد، کفایت می‌کند و نیازی به شباهت واقعی ندارد که وسایل و امکانات و متخصصان، آن را تشخیص بدهند. بنابراین معیار اشتباه در تقلید اسکناس، ضابطه نوعی است که با به اشتباه افتادن شخص عادی تحقق می‌یابد. برای مثال، اگر فردی اقدام به جعل یا تقلید اسکناس ۲۰۰ یا ۵۰۰۰ افغانی نماید و یا همین مقدار اسکناس را در رنگ سفید بسازد، عمل وی خارج از حکم تقلید این ماده است. حتی اگر مرتکب بتواند شخص خاصی مثل مسافر خارجی که ویژگی‌های اسکناس افغانستان را آگاه نیست، فریب دهد، باز هم عمل تقلید اسکناس صورت نگرفته و عمل مرتکب را می‌توان در قالب عنوان فریبکاری یا کلاهبرداری مشمول تعقیب دانست (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۸، ص ۱۶۳).

طبق جزء ۱ فقره ۱ ماده ۲۸۴ کد جزا که مقرر می‌دارد: «تقلید پول مروجه، تنقیص مقدار اصلی مسکوکات یا ملمع کردن آن به قسمی که با پول مروجه دیگری که ارزش آن بیشتر باشد، یا با اسعار

خارجی شبیه گردد»، شرط شبیه‌سازی اسکناس جعلی، در ماده به صراحت دیده می‌شود و اگر اسکناس جعلی، شبیه اسکناس اصلی قابلیت به اشتباه انداختن شخص عادی را نداشته باشد، جرم تلقی نمی‌گردد.

در حقوق ایران، این سؤال مطرح است که آیا در جعل، شبیه‌سازی باید رعایت گردد یا خیر؟ علت طرح سؤال ذکر شده، وجود اختلاف در این مورد است، بدین صورت که برخی معتقدند مقررات مربوط به جعل، از بدو قانون‌گذاری تا به حال، به‌طور مستقیم بعد از مقررات مربوط به قلب سکه وضع شده است. در قانون مجازات اسلامی هم بعد از ماده ۵۲۲ که آخرین ماده در مورد قلب سکه است، ماده ۵۲۳ بلافاصله به جرم جعل پرداخته است. این دسته از افراد معتقدند که از نظر قانون‌گذار، شباهت در جعل شرط نیست؛ چراکه اگر شرط بود، قانون‌گذار به این امر اشاره می‌کرد. رأی شماره ۲۶-۱۶۱۴/۴/۱۳۲۸ چنین بیان می‌دارد: «شبیه‌سازی، جزو شرایط و عناصر تشکیل‌دهنده بزه جعل نیست» (به نقل از: سلیمان‌پور، ۱۳۴۱، ص ۷۰).

در مقررات مربوط به قلب سکه اشاره نموده است: «هرکس شبیه هر نوع مسکوک بسازد...»^۱ بنابراین در جعل، شرط نداشته وگرنه به این موضوع هم در جعل باید اشاره می‌شد. در کنار این نظر، عده زیادی معتقدند که شبیه‌سازی، در جعل هم شرط است. با ملاحظه به ماده ۵۲۳ و به‌خصوص با توجه به کلمه «ساختن»، چنین برداشت می‌شود که یکی از شرایط تحقق جعل، همانا ساختن اشیای مورد حمایت قانون است و ساختن به هر کیفیتی که باشد، نمی‌تواند موجب مشتبه‌ساختن طرف دیگر گردد. بنابراین متبادر از ساختن، همراه با شرط شباهت است؛ یعنی برای تحقق جعل، حداقل همانندی لازم است. تشابه ممکن است کامل یا ناقص باشد؛ یعنی برای مثال، خط یا کتابت مرتکب، با نحوه کتابت منتسب‌الیه کاملاً همانندی و شباهت داشته باشد و یا به‌شکل تردیدآمیز شباهت داشته باشد، ولی کافی است که نوشته یا شیء دیگر به کیفیتی تقلید شده باشد که در نگاه نخست، موجب اشتباه گردد.

از نظر رویه قضایی ایران، شبیه‌سازی در جعل شرط شده است، اما در این شباهت، شباهت کامل شرط نیست، بلکه همین مقدار که احتمال شبهه گردد، کافی دانسته شده است. همین مسئله یعنی شبیه‌سازی، در اسکناس بیشتر نمود دارد. در رأی شماره ۱۳۱۶/۶/۱، شعبه پنجم دیوان عالی کشور بیان داشته که «شبیه‌سازی و تقلید اگر در بعضی موارد مثل اسکناس یا جعل شیر و خورشید، نشان دولتی و مانند آن از چیزهای معروف نزد همه کس لازم دانسته شود، برای آن است که با شباهت‌نداشتن، عنوان ساختن آن شیء صدق نمی‌یابد...» رأی شماره ۱-۱۳۱۶/۶/۵۶ (به نقل از

۱. ماده ۵۱۸ قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده.

شریفی گرم‌دره، ۱۳۸۱، ص ۷۳).

بدین ترتیب در جعل اسکناس، حداقل شبیه‌سازی لازم و ضروری است؛ چراکه به لحاظ آشنایی افراد با این وسیله، نبود شباهت در آن، مستلزم پذیرفته‌نشدن آن از طرف افراد است و از این‌رو، اختلاف فاحش با اصیل، موجب پذیرفته‌نشدن، حتی از طرف عادی‌ترین مردم است. بنابراین «در مورد شبیه‌سازی اسکناس رایج داخلی با اینکه در ماده مربوطه اشاره نشده است، مع هذا چون با عدم شباهت اسکناس مجعول از نظر علانم و نقوش موجود بر روی اسکناس اصیل، مفهوم جعل و اسکناس ساختگی صادق نخواهد بود، لذا شبیه‌سازی، شرط تحقق اسکناس‌های مجعول رایج است...» (ولیدی، ۱۳۷۱، ص ۲۸۰).

در نتیجه، شبیه بودن، در حقوق افغانستان و ایران شرط ضروری برای تحقق جرم جعل اسکناس است و بدون شبیه بودن اسکناس جعلی با اصیل آن، جرم تحقق نمی‌یابد. جهت شبیه‌سازی اسکناس‌های تقلبی از اسکناس واقعی، باید خواص فیزیکی اسکناس را دانست که اسکناس باید چه خواصی داشته باشد و چگونه باید علامتگذاری و شکلدهی شود تا جعل آن دشوار شود و از جعل اسکناس جلوگیری به عمل آید.

۲-۴. رایج بودن

جعل اسکناس، در صورتی جرم تلقی می‌شود و قابلیت رسیدگی خواهد داشت که اسکناس‌ها در داخل و یا خارج از کشور «رواج» داشته باشند. منظور از رایج بودن، یعنی اسکناس از طرف بانک مرکزی کشورها وارد گردش پولی شده و مردم همه‌روزه از آن در جهت انجام معاملات تجاری خود استفاده کنند و با آن سر و کار داشته باشند (شامبیاتی، ۱۳۹۸، ص ۳۰۳). به موجب قانون پول رایج کشور، واحد این پول و حتی مشخصات آن، معین شده است. همه افراد براساس قانون، مکلفند در معاملات که انجام می‌دهند، پول رایج کشور را قبول کنند و اگر از این امر خودداری ورزند، مجازات دارد. (سپهوند، ۱۳۷۸، ص ۶۵) بنابراین، جعل اسکناس‌های از دور خارج‌شده، مشمول این عنوان قرار نمی‌گیرد؛ زیرا جعل چنین اسکناس‌هایی نمی‌تواند موجب بروز اختلال در وضع پولی و بانکی یا اقتصادی کشور شود. بدین ترتیب، اگر شخصی اسکناس‌های غیر رایج داخلی و یا خارجی را جعل نماید، مجرم شناخته نمی‌شود (اما ممکن است با عنوان جعل عادی، شبیه‌سازی آثار تاریخی، کلاهبرداری و... عمل او جرم باشد) (دیرباز، ۱۳۹۰، ۹۶). برای مثال، اگر فردی اسکناس‌های حکومت‌های گذشته را جعل نماید، عمل وی را نمی‌توان مشمول حکم جعل اسکناس دانست. همچنین اگر اسکناس از دور خارج شده باشد و دولت زمانی را برای جمع‌آوری آن اعلام کند و اگر فردی پس از اعلام رسمی خارج‌شدن اسکناس مدنظر از دور، اقدام به جعل کند، به نظر می‌رسد که عمل این فرد را نیز نتوان مشمول جعل دانست. در مقابل، اگر اسکناس جدیدی را دولت تهیه کرده

باشد، مانند اسکناس ۱۰۰۰ افغانی و در خزانه دولت نگهداری شده باشد تا در طی یک مراسم خاص و یا زمان خاص مانند عید و یا سال نو توزیع شود، چنانچه شخصی تا قبل از توزیع اسکناس جدید اقدام به جعل آن نماید، به نظر می‌رسد عمل وی مشمول جعل اسکناس رایج شود؛ چراکه اسکناس جدید، به‌طور رسمی معرفی و تهیه شده و فقط زمان توزیع آن نرسیده است (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۸، ص ۱۶۲).

در تمام فقرات ماده ۲۸۴ کد جزا به «رایج» و دن اسکناس اشاره شده و تأکید زیاد این مسئله از آن جهت است که کسی از آن سوء استفاده نکند و شخصی بی‌گناه را مجازات ندهند. همچنین در مواد ۵۲۵ و ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی تعزیرات به «اسکناس رایج داخلی و خارجی» تصریح شده است.

۲-۵. شرایط خاص در مقررات خاص

شرایطی که پیش‌تر بیان شد، عبارت از شرایط و اوضاع و احوالی است که در همه مقررات لازم‌الاجرای فعلی در مورد جعل اسکناس، استفاده می‌شود. در قوانین یا مقررات خاص مثل قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس و قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور، شرایط خاصی بیان شده که در این خصوص به صورت اختصار به آن می‌پردازیم.

۱-۵-۲. جعل اسکناس منتهی به اخلال در نظام اقتصادی کشور

برای جرم‌دانستن رفتارهای مرتکب در این قانون، افزون بر شرایط عمومی جرم جعل اسکناس، شرط خاص دیگری نیز لازم است که باشد، وگرنه، از حاکمیت این قانون خارج می‌گردد. برای اینکه جرم اخلال تحقق پیدا کند، «لزوم عمده‌بودن عملیات» لازم و ضروری است. این ادعا مبتنی بر این استدلال است که عملیات غیرعمده، اصولاً نمی‌تواند به اخلال در نظام اقتصادی کشور منجر شود. با توجه به آنکه اصولاً مصادیق این جرم از جرایم مقید به نتیجه خوانده می‌شود، فقدان وصف عمده‌بودن عملیات، موضوع را از شمول این قانون خارج می‌کند. بنابراین حتی اگر مقنن در این قانون بارها لفظ "عمده‌بودن" را در مورد برخی عملیات به کار برده باشد، ممکن است این شبهه به ذهن برسد وجود دیگر مواردی که با این قید ذکر نشده، لازم است؛ اما مبتنی بر استدلالی که مطرح گردید، ذکر این قید در برخی موارد تأکید خوانده می‌شود و به لزوم وجود این شرط در مواردی که تأکید نشده نیز لطمه‌ای وارد نمی‌آورد.

همچنین باید دانست که بحث عمده‌بودن عملیات ارتكابی که در اینجا اشاره شد، با بحث عمده یا غیر عمده‌بودن اخلال، یعنی موضوع تبصره یک ماده ۲ این قانون، متفاوت است؛ زیرا عمل غیر عمده هیچ‌گاه نمی‌تواند اخلال به حساب آید، در حالی که عمده‌بودن عملیات، همیشه به معنای عمده‌بودن اخلال نیست، بلکه این عملیات می‌تواند موجب اخلال عمده یا غیر عمده گردد (مؤسسه

حقوقی نواندیشان، ۱۳۹۷، ص ۹۳).

درباره اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق «جعل اسکناس یا واردکردن یا توزیع نمودن عمده آنها اعم از داخلی و خارجی» نیز قید عمده بودن لازم است. البته این نکته را باید ذکر کرد که قید «عمده بودن»، برخلاف ظاهر ماده که تنها برای «توزیع نمودن» آورده شده، ناظر به همه رفتارهای فیزیکی است که در این ماده بیان شده است؛ زیرا پیش تر نیز اشاره شد که بدون ارتکاب گسترده عملیات، اصلاً اخلال محقق نخواهد شد (همان، ص ۹۴).

به دلیل اهمیت فراوان این امر، تشخیص آنکه چه ملاکی را هم باید عمده نامید، بسیار ضروری است. بر این اساس، قانون‌گذار در تبصره ماده اول مقرر داشته: «قاضی ذیصلاح برای تشخیص عمده یا کلان یا فراوان بودن موارد مذکور در هر یک از بندهای فوق‌الذکر علاوه بر ملحوظ نظر قراردادن میزان خسارت وارده و مبالغ مورد سوء استفاده و آثار فساد دیگر مترتب بر آن، می‌تواند حسب مورد، نظر مرجع ذیربط را نیز جلب کند».

بدین ترتیب، قاضی صلاحیت‌دار برای تشخیص این ضابطه باید به موارد زیر توجه کند: میزان خسارت وارده، مبالغ مورد سوء استفاده، آثار فساد دیگر مترتب بر آن و جلب نظر مرجع ذیربط (شریفی گرم‌دره، ۱۳۸۱، ص ۷۵).

درباره این سؤال که ملاک و ضابطه برای عمده و کلان بودن چیست و چه زمانی قاضی رسیدگی‌کننده معتقد می‌گردد که جعل اسکناس، به صورت عمده و کلان واقع شده است؟ برخی از قضات پاسخ استعلام از مراجع ذیربط، حسب مورد، بانک مرکزی و وزارت دارایی را لازم و ضروری می‌دانند و معتقدند، در صورتی که از نظر آن مرجع، حجم اسکناس‌های مجعول در حد عمده باشد، قاضی نیز آن را می‌پذیرد.

در این مورد، نظر آقای دکتر سپهوند، مستشار دیوان عالی کشور ایران، این است که ملاک و ضابطه، نظر قاضی است. قانون‌گذار در برخی موارد، حداقلی را معین می‌کند که ضابطه، همان حداقل است؛ ولی در بعضی موارد، قانون، ملاک و ضابطه‌ای به دست نمی‌دهد، یعنی اینکه تشخیص آن را به عهده قاضی مربوطه قرار می‌دهد. در ارتباط با ملاک عمده و کلان بودن هم ضابطه‌ای معین نموده و تنها به میزان مبالغ و آثار فساد مترتب بر آن یا میزان خسارت وارده اشاره داشته است. بنابراین، قاضی ذیصلاح باید تشخیص دهد که مبالغ جعل شده، در حد کلان و عمده هستند یا خیر. به نظر می‌رسد نظر قانون‌گذار نیز همین مورد است، چنان‌که تبصره ماده ۱ مقرر داشته است که قاضی ذیصلاح باید برای تشخیص عمده و کلان بودن، به مواردی توجه نماید. هرچند نظر مرجع ذیربط نیز در آخر ذکر شده، در درجه اول، نظر و تشخیص قاضی مهم است.

این ضابطه در برخی موارد مشکل ایجاد نموده که به نظر صحیح نیست؛ چراکه نظرات قضات،

متفاوت بوده و با توجه به مجازات سنگینی که برای این جرم تعیین گردیده، ضروری است که قانون‌گذار حداقلی برای این مورد معین نماید (شریفی گرم‌دره، ۱۳۸۱، ص ۷۶).

۲-۵-۲. تشدید مجازات جاعلان اسکناس، واردکنندگان و مصرف‌کنندگان اسکناس

مجعول

برای اینکه جعل اسکناس شامل قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس و واردکنندگان و مصرف‌کنندگان اسکناس مجعول دانسته شود، علاوه بر شرایط عمومی جعل اسکناس که پیش‌تر بیان گردید، شرایط خاص دیگری نیز باید باشد تا عنصر مادی آن محقق شود. از آنجا که ارتکاب جعل اسکناس نیاز به تخصص، نیرو و امکانات زیاد دارد، این جرم معمولاً به صورت بانندی ارتکاب می‌یابد (ولیدی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۰). عبارت «بانند» با توجه به سال تصویب قانون (۱۳۶۸) ناظر به جرم سازمانیافته و شبکه‌ای است. به گونه‌ای که عده‌ای بانند را تشکیل می‌دهند و با همکاری و مشارکت یکدیگر به جعل اسکناس یا وارد نمودن آن به داخل کشور یا توزیع یا استفاده از آن اقدام کنند.

بدیهی است که بانند تبهکاری با وجود یک یا دو نفر عضو، قابلیت تحقق را ندارد و هر چند که قانون‌گذار معیاری برای آن معین نکرده و تشخیص آن بر حسب عرف و عادات، برعهده قاضی رسیدگی کننده است، به نظر می‌رسد که دست کم وجود سه نفر برای تشکیل یک بانند تبهکاری و جعل اسکناس ضروری است. تفسیر از عبارت «بانند» با توجه به سنگین بودن اتهام و مجازات اعدام برای مرتکبان، به نفع متهم است و از باب قاعده «دراء» دادگاه باید با احتیاط کافی در احراز آن اقدام کند (ساک، ۱۳۹۶، ص ۴۰۰).

شرط دیگری که برای تحقق این جرم لازم است و در قانون فوق نیز بیان شده، قصد مبارزه با نظام جمهوری اسلامی ایران است که این مطلب را بیشتر در بحث عنصر روانی یا معنوی آن توضیح می‌دهند؛ اما به لحاظ ارتباط موضوعی باید یادآور شد که تحقق این جرم، بسته به تحقق هر دو شرط (بانندی و به قصد مبارزه با نظام بودن) نیست. بنابراین، تحقق عنصر مادی جرم، به سه شکل ذیل صورت می‌پذیرد.

۱. وارد کردن، توزیع کردن و استعمال کردن اسکناس جعلی به صورت بانندی و با قصد مبارزه با نظام.
۲. وارد کردن، توزیع کردن و استعمال کردن اسکناس جعلی به صورت بانندی و بدون قصد مبارزه با نظام.
۳. وارد کردن، توزیع کردن و استعمال کردن اسکناس جعلی به صورت غیر بانندی و با قصد مبارزه با نظام.

البته در هر کدام از این سه مورد، علم مرتکب به جعلی بودن اسکناس نیز باید احراز شود (ساک، ۱۳۹۶، ص ۴۰۱).

۳) تحقق نتیجه

جرایم از نظر داشتن لزوم و یا نداشتن لزوم منتهی شدن به نتیجه خاص، به دو دسته جرایم مطلق، که نیازی به نتیجه خاص ندارد، و جرایم مقید که تحقق آنها بسته به منتهی شدن رفتار مجرمانه به نتیجه خاص است، تقسیم می‌شوند (میر محمد صادقی، ۱۴۰۰، ص ۱۱۲). جعل اصولاً از جرایم مطلق خوانده می‌شود و فقط با انجام یکی از رفتارهای ذکر شده، آن جرم تحقق خواهد یافت و نیازی نیست که از انجام آن، نتیجه خاصی تحقق پیدا کند (منصوری و طاهری، ۱۳۹۸، ص ۲۴۸). جعل اسکناس به دلیل وجود استثنائات، مصادیق مقید نیز دارد، مانند: جعل منتهی به اخلال در نظام اقتصادی کشور.

در جرایم جعل و استفاده از سند مجعول، صرف ساختن یا تغییر دادن نوشته، سند و یا اسکناس و دیگر چیزهایی که در قانون ذکر شده، کفایت می‌کند و منتهی شدن اعمال یاد شده به نتیجه خاص، در قانون ضروری خوانده نشده است (صادقی، ۱۴۰۰، ص ۱۱۳). نتیجه در جعل را به صورت قابلیت اضرار به دیگری نیز می‌توان بررسی کرد. بنابراین، نمی‌توان آن را کاملاً یک جرم مقید دانست و چون قابلیت اضرار در آن لازم است، با جرایم مطلق نیز متفاوت است (یزدیان جعفری، ۱۳۹۵، ص ۴۴۰). در ارتباط با جعل، وجود ضرر یا امکان ضرر رسانیدن، ضروری است و بدون آن، جعل محقق نیست.

موضوع خسارت در جعل، شامل سه دسته می‌گردد که عبارتند از: خسارت زدن به اعتماد عمومی، خسارت زدن به حاکمیت دولت و خسارت زدن به افراد. در این راستا آسیب به اعتماد عمومی، یکی از مهم‌ترین خسارت‌هایی است که از جعل حاصل می‌شود. لطمه به حاکمیت دولت نیز مطرح است که انتشار اسکناس به عنوان حق انحصاری آن شناخته شده است. بنابراین، جعل اسکناس، به این حاکمیت نیز لطمه وارد می‌کند (سلیمان‌پور، ۱۳۴۱، ص ۱۰۰).

وجود ضرر بالقوه در تحقق جرم جعل، ضروری است که باید بین آن و رفتار مادی فیزیکی در جرم جعل، رابطه سببیت احراز شود. در اینجا لازم است چند نکته یادآوری شود. اولین نکته این است که منظور از ضرر، همان‌طور که ذکر شد، لزوماً ضرر بالفعل یا متحقق نیست، بلکه ضرر بالقوه یا محتمل، کفایت می‌کند. دیوان عالی کشور ایران در این خصوص، در یکی از آرای خود چنین اشعار می‌دارد: «... اضرار آنی، شرط تحقق جرم جعل نیست، بلکه عمل جعل اگر در آینده و حتی بالقوه متضمن ضرر دیگری باشد، مورد مربوط به جعل منطبق است. بنابراین، از بین بردن عمدی سند مجعول، اصولاً مانع تعقیب جرم نخواهد بود» رأی شماره ۱۳۱۴، مورخ ۱۳۱۸/۶/۱۹، شعبه دوم دیوان عالی کشور، ذکر شده در (به نقل از میر محمد صادقی، ۱۳۹۷، ص ۳۳۴).

اگر برای تحقق جرم جعل، ورود ضرر بالفعل لازم می‌بود، این عمل هیچ‌گاه نباید جرم شناخته می‌شد؛ زیرا از ارتکاب جعل، ضرری به صورت آنی به کسی وارد نمی‌گردد، بلکه استفاده بعدی از سند مجعول، موجب ورود ضرر می‌گردد. به همین جهت، چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، برخی معتقد به جرم‌زدایی از جعل و بسنده کردن به جرم‌شناختن اعمال بعدی هستند که با استفاده از سند جعلی ارتکاب می‌یابد، مثل: ترویج سند مجعول یا کلاهبرداری و غیره. این نظر به جهت جلب اعتماد عمومی نسبت به اسناد و نوشته‌ها و تأمین منافع عمومی، رد گردیده؛ زیرا اگر جرم نباشد و فقط استفاده از سند جعلی، جرم دانسته شود، نتیجه آن می‌شود. مانند آنکه کسی در منزل خود هزاران بسته اسکناس مجعول و چندین دستگاه ساخت اسناد جعلی نگهداری می‌کند و آنها یافته شود، ولی چون هنوز اسکناس‌های مجعول را خرج نکرده، تعقیب نشود، در حالی‌که تأمین آسایش عمومی ایجاب می‌کند که با این شخص در همین مرحله برخورد شود (صادقی، ۱۳۹۷، ص ۳۳۴).

در نتیجه، جعل اسکناس، هم می‌تواند مطلق باشد و هم می‌تواند مقید (در ماده ۲۹۸ کد جزا جعل اسکناس مشدد را می‌توان یکی از مصادیق آن دانست و در حقوق ایران به ماده ۵۲۶ و قانون تشدید مجازات جاعلان و قانون اخلال‌گران می‌توان اشاره کرد) باشد. برای مطلق بودن جعل اسکناس توضیحات بالا کافی است و در بحث مقید بودن جعل اسکناس، در مبحث بعدی واضح‌تر و عمیق‌تر بحث خواهیم کرد.

ب: عنصر روانی جعل اسکناس

در حقوق جزا صرف ایجاد صدمه ممنوعه از سوی مرتکب، موجب مسئولیت کیفری وی نمی‌شود، مگر آنکه رفتار ارتكابی، با ذهن و فکر مجرمانه همراه باشد. قاعده «هیچ فعلی قابل مجازات نیست، مگر آنکه با فکر مجرمانه ارتکاب یافته باشد» نشان‌دهنده این ویژگی حقوق جزاست. حالت ذهنی قابل سرزنش را عنصر معنوی می‌نامند. اهمیت عنصر معنوی در آن است که نشان می‌دهد حقوق جزا مردم را انسان‌های انتخاب‌گر می‌داند که مسئول انتخاب خود هستند، آنها را به مثابه یک ربای یا دستگاه فاقد شعور یا حیوان غیر مسئول نمی‌داند. بدین ترتیب، عنصر معنوی قلب، حقوق جزا خوانده می‌شود. (همو، ۱۴۰۰، ص ۱۶۰)

عنصر معنوی، در تقسیم‌بندی معمول به دو قسمت تقسیم می‌شود که عبارتند از: سوءنیت عام و سوءنیت خاص. (اردبیلی، ۱۳۹۸، ص ۱۸۲) از این رو عنصر معنوی جعل اسکناس نیز شامل سوءنیت عام یا همان قصد فعل است، و با فرض اینکه آن را مقید بدانیم، سوءنیت خاص یا قصد نتیجه است. سوءنیت عام مرتکب مانند دیگر جرایم است، ولی سوءنیت خاص، با توجه به نوع جعل ساده و مشدد، نیاز توضیح بیشتری دارد که در ادامه به آنها می‌پردازیم (شیری، ۱۳۹۸، ص ۲۹۱ و ۲۹۲).

(۱) سوء نیت عام

در جرم جعل اسکناس، وجود علم و قصد عام اجزای سازنده، عنصر معنوی رفتارهای مجرمانه را تشکیل می‌دهد. علم مرتکب، شامل آگاهی نسبت به موضوع است که با فرض این آگاهی، مرتکب، قصد عام یعنی اراده انجام رفتارهای مجرمانه را دارد (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۸، ص ۱۶۹). احراز سوء نیت عام یا علم به موضوع، از سوی دادگاه الزامی است، در غیر این صورت، چنانچه مرتکب در مقام رفع اشکال املائی و یا در جهت تصحیح سند و رسا نبودن آن اقداماتی انجام دهد، عمل مرتکب به لحاظ نداشتن سوء نیت، جعل نیست. به همین سبب، اداره حقوقی در این مورد مقرر می‌دارد: «مطابق ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، ساختن نوشته یا سند، خراشیدن و تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق کردن نوشته به سند، در صورتی جعل و تزویر است که به قصد تقلب صورت گرفته باشد. بنابراین، اگر تغییر عبارت ذکر شده، در مقام رفع اشکال املائی و در جهت تصحیح سند و رسانمودن آن باشد و با واقعیت تطبیق کند، به صورتی که اگر این تغییرات انجام نمی‌شد، مفهوم غلطی داشت، اساساً این گونه تغییرات، متقلبانه نیستند، از مصادیق جعل و تزویر نبوده و فاقد جنبه جزایی است». نظریه مشورتی شماره ۷/۷۸۴۱ - ۱۳۸۷/۱۳/۲۰ اداره حقوقی قوه قضاییه (به نقل از الهی منش، ۱۳۹۴، ص ۳۱۱).

در حقوق افغانستان با توجه به ماده ۲۸۴ کد جزا رفتار مادی جرم جعل، شامل رفتارهای فیزیکی متفاوت است، و عنصر معنوی این جرم، علم به موضوع و قصد عام است. جرم جعل، یکی از بارزترین مصداق‌های جرم مطلق است که صرف ارتکاب عمل مجرمانه، در تحقق آن کفایت می‌کند و نیازی نیست که نتیجه خاصی وجود داشته باشد. با این حال، در بسیاری از رفتارهای یاد شده باید یک شخص، علم به موضوع داشته باشد یا عمل مجرمانه را با آگاهی کامل انجام داده باشد (منصوری و طاهری، ۱۳۹۸، ص ۲۴۸).

تفاوت بارز در حقوق افغانستان و ایران، این است که در افغانستان جعل اسکناس جزو جرایم مطلق است (اگرچه قصد اضرار به غیر را می‌توان قصد خاص مرتکب در جعل اسکناس دانست که در قانون به صورت صریح ذکر نشده است) (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۸، ص ۱۶۴)؛ که با صرف انجام عمل مجرمانه، جرم اتفاق افتاده و همان گونه که در بالا بیان شد، نیازی به نتیجه خاصی نیست؛ اما در حقوق ایران این مسئله متفاوت است، یعنی در بند ۵ ماده ۵۲۵ قانون مجازات اسلامی تعزیرات، نمی‌توان تفاوتی را مشاهده نمود؛ چراکه این مقررمانند کد جزا جرم مطلق خوانده می‌شود.

البته در خصوص ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی تعزیرات و نیز قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس و قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور، قانون‌گذار به مقیدبودن این جرم

تصریح نموده که در ذیل به صورت واضح تر به آن پرداخته می شود.

۲) سوء نیت خاص

برای اینکه جعل اسکناس تحقق پیدا کند، افزون بر عمل مادی مرتکب، وجود سوء نیت، از عناصر لازم رکن معنوی است؛ چراکه جرم جعل اسکناس، جزو جرایمی است که نیاز به طرح از پیش تهیه شده و آماده کردن ابزار و آلات مختلف برای شبیهسازی اسکناس دارد. تا زمانی که جاعل، قصد متقلبانه در فکر خود نداشته باشد، به هیچ وجه نمی توان عمل وی را حتی اگر به فعلیت هم رسیده باشد، قابل تعقیب و مجازات دانست. بنابراین، اگر کسی به قصد شوخی و یا انجام نمایش (مانند شعبده بازان) اقدام به جعل کند، از نظر کیفری قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود (شامبیاتی، ۱۳۹۸، صص ۳۰۷ و ۳۰۸).

در حقوق ایران، جعل اسکناس به دو نوع جعل ساده و جعل مشدد است که جعل ساده در بند ۵ ماده ۵۲۵ قانون مجازات اسلامی و مشدد آن در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی و بند الف ماده ۱۶۰ قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور و نیز قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس و واردکنندگان و توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اسکناس مجعول جعل مشدد اسکناس پیش بینی گردیده است.

منظور از جعل ساده، در اینجا عبارت از مصادیقی است که عنصر مادی و معنوی آن، مانند جعل اسناد و نوشته هاست و عامل مشدد خاصی در آن وجود ندارد. بند ۵ ماده ۵۲۵ قانون مجازات اسلامی به این جعل پرداخته است. در این گونه از جعل، مرتکب به قصد تقلب، اقدام به چاپ اسکناس مجعول می کند. به عبارت دیگر در عنصر معنوی، تحقق قصد دیگری ضرورت ندارد (شیری، ۱۳۹۸، ص ۲۹۲).

در مواردی که قانون گذار داشتن قصد اخلاص در وضع پولی و بانکی یا اقتصادی یا برهم زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی - موضوع ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی - و همچنین داشتن قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران - ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس - را از علل مشدده مجازات دانسته است، در واقع این نوع قصد، از جنس انگیزه است (ساک، ۱۳۹۶، ص ۴۰۳).

در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی، عنصر مادی جعل ساده، با جعل مشدد تفاوتی ندارد؛ اما از نظر عنصر معنوی، قصد اصلی مرتکب، اخلاص در وضع پولی و بانکی یا اقتصادی یا برهم زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی کشور است. به عبارت دیگر، مرتکب صرفاً به قصد تقلب و جلب منفعت، مرتکب جعل اسکناس نمی گردد، بلکه قصد اصلی مرتکب در اینجا اخلاص در نظام اقتصادی و یا امنیت کشور است. برای مثال، در زمان جنگ تحمیلی عراق و ایران، اسکناس های

۲۰۰ تومانی در خاک عراق جعل می‌گردید و به قصد بی‌اعتبار کردن پول ملی و کاهش ارزش آن، در ایران توزیع می‌شد. در این موارد، مرتکبان با حمایت دولت عراق، به قصد منفعت و سودجویی مرتکب این عمل نمی‌شدند، بلکه به قصد ضربه‌زدن به اقتصاد و اخلال در آن مرتکب جعل می‌شدند (شیری، ۱۳۹۸، ص ۲۹۳).

عنوان مجرمانه ذکر شده، جعل یا وارد کشور نمودن یا استفاده کردن است که مرتکب لزوماً می‌بایست قصد اخلال در وضع پولی یا بانکی یا اقتصادی یا برهم‌زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی را داشته باشد. روشن است که تفاوت جعل موضوع این ماده با اخلال در نظام اقتصادی، در این است که که جرم اولی، مطلق است و اخلال تنها در قصد مرتکب است؛ در حالی که جرم دومی، مقید به نتیجه است و اخلال، در رفتار مرتکب و نتیجه آن نمود پیدا می‌کند (ولیدی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۹). به همین دلیل مرتکب، عمل ارتكابی را باید با قصد اخلال در وضع پولی و بانکی یا اقتصادی یا برهم‌زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی انجام دهد. این مهم می‌رساند که تا چه اندازه، جعل اسکناس رایج داخلی یا خارجی می‌تواند در جامعه خطرناک باشد و آثار تخریبی فراوانی به‌ویژه از نظر ایجاد تورم بر جای بگذارد. بنابراین، احراز قصد مرتکب، به‌منظور اخلال در وضع پولی و بانکی یا اقتصادی کشور، همان اثبات سوءنیت خاص متهم است و اگر جاعلی، چنین قصدی را نداشته باشد و فقط جهت سودجویی و کسب منفعت صرف، اقدام به جعل اسکناس نماید، مشمول این عمل جرمی می‌گردد (شامبیاتی، ۱۳۹۸، ص ۳۰۸).

جعل اسکناس به صورت بانندی، ناظر به شیوه ارتكاب جعل اسکناس است. از آنجا که در جعل اسکناس، تشریفات خاصی لازم است و برای مثال، به تخصص، امکانات و نیرو نیاز دارد، معمولاً به صورت بانندی اتفاق می‌افتد. بر این اساس، قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس مقرر می‌دارد: «هرکس اسکناس رایج داخلی را بالمباشره یا به‌واسطه جعل کند، یا با علم به جعلی بودن، توزیع یا مصرف نماید، چنانچه عضو باند باشد و یا قصد مبارزه با نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشد، به اعدام محکوم می‌شود. همچنین عامل عامد و عالم ورود اسکناس مجعول به کشور، به‌عنوان مفسد، به اعدام محکوم می‌گردد، مگر آنکه عضو باند نباشد و قصد مبارزه با نظام نداشته باشد و در محکمه ثابت شود که فریب خورده است.

مرتکبان در غیر از مواردی که براساس ضوابط فوق به اعدام محکوم می‌شوند، مشمول مجازات‌های مقرر در ماده ۲۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۶۲/۵/۱۸ خواهند بود.» این مقرر با ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی تعزیرات، هم‌پوشانی یا اشتراک دارند و آن ارتكاب جعل اسکناس یا رفتارهای مربوط با قصد مبارزه با نظام جمهوری اسلامی ایران است. هرچند عنوان قصدهای مندرج ماده ۵۲۶ با این عنوان تفاوت دارد و در آنجا قصد اخلال در وضع پولی یا بانکی یا

اقتصادی یا برهم‌زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی است، عاقلانه نیست که گفته شود قصد مبارزه با نظام، با قصد برهم‌زدن نظام یکی نیست و بنابراین، هر دو قانون در جای خود باید اجرا شوند (ولیدی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۰).

در کد جزا، جعل مشدد به شکل بالا نبوده، بلکه این نوع جعل طبق ماده ۲۹۸ که مقرر می‌دارد: «هرگاه بر اثر ارتکاب یکی از جرایم مندرج این فصل، ارزش پول افغانی تنزیل نماید یا اعتماد بازارهای داخلی یا خارجی بر اثر آن متزلزل گردد، مرتکب، به مجازات یک درجه بالاتر از جرم اصلی مندرج این فصل محکوم می‌گردد.» (این رفتارها تقریباً معادل اخلال در نظام اقتصادی کشور ایران است.) چنانچه قصد مرتکب در رفتارهای این ماده، مثل «ارزش پول افغانی تنزیل نماید یا اعتماد بازارهای داخلی و خارجی متزلزل گردد»، زیاد اثر ندارد و در صورتی که مرتکب به قصد سود و منفعت، مرتکب جعل اسکناس شود و بر اثر این رفتار وی ارزش پول افغانی تنزیل پیدا کند یا اعتماد بازارهای داخلی یا خارجی متزلزل شود نیز به همین جرم محکوم، و مجازات بیشتری برایش در نظر گرفته می‌شود.

ج: مجازات جعل اسکناس

هر جرمی برای اینکه دیگر ارتکاب پیدا نکند و موجب آسیب‌رساندن به مردم و جامعه نشود، اقتضا دارد تا به آن عمل مجرمانه و اکنشی نشان داده شود تا دیگر، آن عمل ارتکاب پیدا نکند و از جرم جدید جلوگیری به عمل آید. در این قسمت از تحقیق، به مجازات جعل اسکناس در حقوق افغانستان و ایران پرداخته می‌شود. در اینجا به بررسی مجازات اصلی نگاهی می‌اندازیم و بیان می‌کنیم که قانون‌گذاران چه مجازات‌هایی را برای این جرم در نظر گرفته‌اند. همچنین شروع به جرم جعل اسکناس بررسی و بیان می‌شود چه مجازاتی دارد.

در کد جزای افغانستان به بحث مجازات جعل اسکناس، در ماده ۲۸۵ حکم شده، اما در قانون مجازات اسلامی، برای مجازات جعل اسکناس در ماده ۵۲۵ حکم آمده که بند ۵ این ماده به جعل اسکناس پرداخته است. در ادامه به مجازات جعل اسکناس از نظر کد جزا و قانون مجازات اسلامی خواهیم پرداخت.

۱) مجازات اصلی

فقره ۱ ماده ۲۸۵ کد جزا برای جرم اصلی جعل اسکناس و قلب سکه وضع شده که در این تحقیق، تنها از جعل اسکناس تحقیق به عمل می‌آید. این ماده کد جزا چنین مقرر می‌دارد: «مرتکب جرم جعل پول، مندرج اجزای ۱ تا ۶ فقرة ۱ ماده ۲۸۴ این قانون، به حبس طویل محکوم می‌گردد...». مجازات حبس طویل، عبارت از حبس بیش از ۵ الی ۱۶ سال است. اجزای ۱ تا ۵ فقرة ۱ ماده فوق، به جعل اسکناس مربوط می‌گردد که عبارت از: «تقلید، معامله یا ترویج و ساختن» هستند و هرکس

مرتکب یکی از این رفتارها شود، به مجازات حبس ۵ الی ۱۶ سال محکوم می‌گردد.

یکی از موضوع‌هایی که باید در اینجا به آن پرداخت، این است: در صورتی که شخصی مرتکب یکی از اعمال مندرج ماده ۲۸۴ شود، به یک مجازات محکوم می‌شود و آن فرقی ندارد که کدام عمل باشد؛ چون مطابق ماده ۲۸۵ کد جزا به مجازات معین محکوم می‌شود که روشن است، اما اگر شخصی به بیشتر از یک رفتار مادی ماده ۲۸۴ کد جزا مرتکب شود، چه حکمی دارد، آیا به تعدد جرم، محکوم می‌شود و به هریک از رفتارها مجازات جداگانه معین می‌کنند یا برای همه آنها یک مجازات تعیین می‌گردد؟ در پاسخ باید گفت در صورتی که شخصی مرتکب بیش از یک رفتار شود، از نظر ماده ۷۳ کد جزا برای تعدد مادی، به این ماده مراجعه می‌کند و چنین بیان می‌دارد: «هرگاه ارتکاب جرایم متعدد در نتیجه افعال متعدد صورت گرفته باشد و تأمین هدف واحد، جرایم مذکور را طوری با هم جمع کرده باشد که تجزیه را قبول نکند، محکمه به جزاهای پیش‌بینی شده هر یک از جرایم حکم می‌کند و تنها به تنفیذ شدیدترین جزای محکوم‌بها تصریح می‌دارد...» پس مطابق این ماده به این نتیجه می‌توان دست یافت که در صورت ارتکاب چندین رفتار از ماده ۲۸۴ کد جزا، محکمه به شدیدترین مجازات جرمی مقرر برای آن رفتارها حکم می‌کند.

در قانون مجازات اسلامی در دو ماده به مجازات جعل اسکناس تصریح گردیده که ماده ۵۲۵ به مجازات عام این جرم پرداخته و ماده ۵۲۶ به مجازات خاص و شدیدتر آن اشاره نموده است که در ادامه به توضیح آن می‌پردازیم.

ماده ۵۲۵ قانون چنین بیان می‌دارد: «هر کس یکی از اشیای ذیل را جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر استعمال کند یا داخل کشور نماید، علاوه بر جبران خسارت وارده، به حبس از یک تا ده سال محکوم خواهد شد.

بنابراین، مرتکب جعل اسکناس موضوع این ماده، افزون بر جبران خسارت وارده، به حبس از یک سال تا ۱۰ سال محکوم می‌شود. بدین ترتیب، این مجازات بدون هیچ قید و شرطی و نیز بدون هیچ قصد و نیت خاصی و به طور عام برای مرتکب لحاظ می‌شود و رفتارهایی که تخصیص می‌خورند، از شمول این ماده خارج هستند.

با توجه به مطالب بالا که مجازات جعل اسکناس در حقوق افغانستان و ایران بیان گردید، به این نتیجه می‌رسیم که در مجازات جعل اسکناس، بین حقوق افغانستان و ایران تفاوتی در شدت و خفت آن وجود دارد: اول اینکه- در جعل اسکناس ساده، حقوق افغانستان نسبت به حقوق ایران حبس بیشتری برای مرتکب جعل اسکناس مقرر کرده است، یعنی در ماده ۲۸۵ کد جزا حبس طویل که بیش از ۵ سال تا ۱۶ سال حبس است، مقرر گردیده است؛ اما در ماده ۵۲۵ قانون مجازات اسلامی تعزیرات، مجازات حبس ۱ تا ۱۰ سال حبس مقرر شده که از مجازاتی که کد جزای افغانستان مقرر

داشته، کمتر و خفیف تر است. به موضوع تشدید مجازات جعل اسکناس در گفتار بعدی می‌پردازیم.

۲) تشدید مجازات

ماده ۲۹۸ کد جزا به حالات مشدده خاص جرم جعل اسکناس پرداخته است. این ماده چنین مقرر می‌دارد: «هر گاه بر اثر ارتکاب یکی از جرایم مندرج این فصل، ارزش پول افغانی تنزیل نماید یا اعتماد بازارهای داخلی و خارجی بر اثر آن متزلزل گردد، مرتکب، به مجازات یک درجه بالاتر از مجازات جرم اصلی مندرج این فصل، محکوم می‌گردد».

در این ماده دو نوع نتیجه حاصل می‌شود تا در جرم جعل اسکناس، موجب تشدید مجازات شود. اول اینکه - رفتار جاعل موجب کاهش ارزش اسکناس افغانی شده باشد. دوم اینکه در نتیجه ارتکاب جرم جعل، اعتماد بازارهای داخلی یا خارجی متزلزل شود. این فرض در صورتی است که جعل در مقیاس کلان انجام شود که بر اثر آن، اعتماد عمومی جامعه سلب شده و بر ارزش اسکناس ملی تأثیر گذاشته باشد و یا اینکه اعتماد بازارهای داخلی و خارجی متزلزل شده باشد. برای مثال، اسعار خارجی به صورت کلان و انبوه جعل گردیده باشد (منصوری و طاهری، ۱۳۹۸، ص ۲۶۱). به فرض نتایج اشاره شده در این ماده، از لحاظ نتیجه، تمامی رفتارهای مجرمانه جعل اسکناس، دو حالت (مطلق و مقید) بودن را پیدا می‌کند؛ بدین صورت که اگر رفتارهای مجرمانه جعل اسکناس، نتیجه اشاره شده در این ماده را در پی نداشته باشد، تابع احکام مربوط به مواد مخصوص به خود می‌باشد، اما در صورتی که هر یک از رفتارهای مجرمانه جعل اسکناس، منتج به یکی از نتایج اشاره شده در این ماده یعنی «تزلزل پول افغانی» و یا «تزلزل اعتماد بازار به پول افغانی» گردد، طبق حکم ماده ۲۹۸ مجازات می‌شود (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۸، ص ۱۹۰).

البته این تشدید مجازات در هر حال قابل تطبیق و اجراست؛ چه اینکه قصد مرتکب، تضعیف اسکناس در بازارهای بین المللی و چه این هدف او کسب سود بوده و قصد تضعیف را نداشته باشد (غلامی، ۱۳۹۹، ص ۵۹). مطابق ماده ۴۳ کد جزا که قصد غیر معین را تصریح نموده، چنین مقرر می‌دارد: «قصد زمانی غیر معین پنداشته می‌شود که اراده مرتکب متوجه نتیجه معین نباشد. مرتکب، قصد عمل معین یا نتیجه معین را نداشته باشد».

همان گونه که در بالا نیز بیان گردید، مجازات جعل اسکناس در حقوق ایران، زمانی تشدید پیدا می‌کند که قصد خاصی وجود داشته باشد و یا این قصد موجب شود که این جعل به آن نتیجه خاص برسد. مطابق ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی تعزیرات، قصد اصلی مرتکب «اخلال در وضع پولی یا بانکی یا اقتصادی یا برهم زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی کشور» است و البته «چنانچه مفسد و محارب شناخته نشود.» به عبارت بهتر، مرتکب صرفاً به قصد تقلب و کسب منفعت، مرتکب جعل اسکناس نمی‌شود، بلکه قصد اصلی وی اخلال در نظام اقتصادی و سیاسی و

امنیت کشور است. به همین سبب، مجازات جعل مشدد طبق ماده یادشده ۵ تا ۲۰ سال حبس مقرر گردیده است (شیری، ۱۳۹۸، ص ۲۹۳).

جعل اسکناس در ماده ۵۲۵، چنانچه بدون لحاظ قصد خاص مرتکب باشد، تعارضی با ماده ۵۲۶ نخواهد داشت. از این رو، اگر جعل اسکناس به قصد «اخلال در وضع پولی یا بانکی یا اقتصادی یا برهم زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی کشور» انجام یافته باشد، مشمول ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی تعزیرات است. در غیر این صورت، اگر مرتکب، قصد به دست آوردن منفعت مالی و سودجویی داشته باشد، مشمول ماده ۵۲۵ خواهد بود (دیرباز، ۱۳۹۰، ص ۹۹).

ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی دو حالت را پیش بینی نموده: حالت اول، چنانچه مفسد و محارب شناخته شود که شرایط و ضوابط آن مشخص و معلوم نیست؛ و حالت دوم، در صورتی که مفسد و محارب شناخته نشود، شامل این ماده می شود و طبق این ماده مجازات می گردد. برای دریافت تفاوت بین این دو حالت، می توان از قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس معجول کمک گرفت و آن اینکه در این ماده واحده، برای کسانی که اسکناس رایج داخلی را بالمباشره جعل یا با علم به جعلی بودن، توزیع یا مصرف یا وارد کشور کنند، با وجود یکی از دو شرط (عضو باند) یا (قصد مبارزه با نظام)، مجازات اعدام به عنوان مفسد، در نظر گرفته می شود و در صورت نبود این دو شرط، مجازات ۵ تا ۲۰ سال حبس پیش بینی شده است (میر محمد صادقی، ۱۳۹۷، ص ۲۹۸).

در حالت اول، چنانچه مفسد و محارب شناخته شود، مطابق ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی که مجازات حد محاربه را بیان می دارد و ماده ۲۸۶ که حد فساد فی الارض را مقرر داشته، باید مجازات گردد. اشکالی که وجود دارد، این است که درباره محاربه، در ماده ۲۷۹ این تعریف به عمل آمده که فقط با کشیدن سلاح و ترساندن مردم و ناامن کردن محیط محقق می شود و جعل اسکناس، شامل آن نیست. در هیچ مقرر شرعی و قانونی هم برای جعل، سلاح اطلاق نمی شود و از سوی دیگر، مجازات محاربه نیز همیشه اعدام نیست. (ساریخانی، ۱۳۸۳، ص ۳۶۸)

طبق ماده ۲۸۳ این قانون، قاضی در انتخاب حد اختیار دارد تا از چهار نوع حد یکی را انتخاب کند؛ یعنی انتخاب حد به صورت ترتیبی نیست، بلکه به صورت تخییری است. بنابراین، قاضی می تواند به هر یک از مجازات چهارگانه، حد محاربه را برای مرتکبی که محارب شناخته شود، تعیین کند. محاربه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تفکیک شده و این امر دیگر در خصوص جعل

۱. ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی: حد محاربه، یکی از چهار مجازات زیر است: الف) اعدام؛ ب) صلب؛ پ) قطع دست راست و پای چپ؛ ت) نفی بلد.

۲. ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی: محاربه، عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد.

۳. ماده ۲۸۳ قانون مجازات اسلامی: انتخاب هر یک از امور چهارگانه مذکور در ماده ۲۸۲ به اختیار قاضی است.

اسکناس استفاده نشده و منتفی است و تنها افساد فی الارض را می‌توان در جعل اسکناس، جاری دانست.

در باره افساد فی الارض این مشکل در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ حل شده و در ماده ۲۸۶ که چنین مقرر داشته است: «هرکس به‌طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور... به‌گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی؛ در حد وسیع گردد، مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد».

قانونگذار با وضع این ماده، عنوان حد افساد فی الارض را به‌طور گسترده پذیرفته و عملاً فراتر از موارد منصوص شرعی و حدود، شناخته شده است. در کتاب‌های فقهی که براساس قرآن و سنت است، مصادیق متعدد دیگری که جرایم تعزیری خوانده می‌شوند، در عداد جرایم مستوجب حد قرار داده شده است (شیری، ۱۳۹۸، ص ۲۹۴). و مواردی مثل «اخلال در نظام اقتصادی» را شامل می‌گردد و جعل اسکناس نیز یکی از مصادیق این مورد است. از این ماده می‌توان برای مجازات مرتکب جعل اسکناس، در صورتی که شرایط بالا را داشته باشد، استفاده کرد و مرتکب را به مجازات اعدام محکوم کرد. در حال حاضر، معیار فساد را در قانون تشدید مجازات جاعلان که در خصوص بانندی بودن و قصد مبارزه با نظام وضع گردیده، می‌توان در این مورد به کار برد و به ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی که افساد فی الارض را بیان می‌دارد نیز می‌توان برای دیگر رفتارهایی که در قانون مجازات اسلامی بیان شده و مجازات آنها مجازات افساد فی الارض باشد، استناد کرد.

ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس مجعول، برای کسانی که اسکناس رایج داخلی و خارجی را جعل کنند یا با علم به جعلی بودن، آن را توزیع یا مصرف و یا وارد کشور کنند، اعلام می‌دارد که با وجود یکی از دو شرط «قصد مبارزه با نظام» یا «عضویت داشتن در باند»، به مجازات اعدام به‌عنوان مفسد محکوم می‌گردند. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که جعل اسکناس رایج داخلی، در صورت وجود قصد مبارزه با نظام (قصد براندازی) یا عضویت در باند، یا دیگر شرایط یادشده در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، مجازات مفسد را براساس ماده واحده ذکرشده، یا ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی در پی خواهد داشت (میر محمد صادقی، ۱۳۹۷، ص ۲۹۸ و ۲۹۹).

ماده ۲ این قانون به مجازات مرتکب رفتارهای ماده ۱ پرداخته که چنین بیان می‌دارد: «هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران یا به قصد مقابله با آن و یا علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام، چنانچه در حد افساد فی الارض باشد، به

اعدام و در غیر این صورت، به حبس از پنج تا بیست سال حبس محکوم می‌شود).
 با توجه به مشابهت منطوقی ماده ۲ قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور که بیان‌کننده مجازات این جرم است و ماده ۵۲۶ قانون تعزیرات، باید اشعار داشت که مقرر موخرالتصویب، ناسخ قانون ماقبل خود است. بنابراین، در مجازات ماده ۲ درخصوص این جرم، به ماده ۵۲۶ که مقرر اخیرالتصویب نسبت به قانون مجازات اخلال‌گران است، مراجعه می‌شود. یادآوری می‌شود که این مسئله به معنای نسخ عنصر قانونی جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور نیست، بلکه صرفاً درباره مجازات جرم جعل اسکناس، در صورتی که واجد وصف اخلال در نظام اقتصادی باشد، به جای اجرای ماده ۲ قانون بالا، طبق مقررات ماده ۵۲۶ عمل می‌گردد (آزادفر و رحیمی نیت، ۱۳۹۵، ص ۱۰۲).

یکی از چالش‌های موجود برای محکمه، این است که تکلیف اموال تحصیل‌شده از جرم چه می‌شود؟ در ماده ۵۲۶ محکمه ملزم است که تکلیف اموال تحصیل‌شده از راه این جرم را مشخص کند که این تکلیف در این ماده بیان نگردیده است، اما با توجه به تبصره ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس و نیز ماده ۲ قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور، با لحاظ وحدت ملاک مواد مزبور، می‌توان گفت که دادگاه مکلف است افزون بر مجازات مقرر در ماده ۵۲۶، حکم مصادره اموال تحصیل‌شده از راه جعل اسکناس را نیز صادر نماید (شامبیاتی، ۱۳۷۷، ص ۱۹).

درباره تکلیف اموال تحصیل‌شده از جرم، می‌توان طبق ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری نیز عمل نمود و براساس ماده ۱۴۸ قانون ذکرشده که نسبتاً یک نوع حکم نموده، می‌توان به مصادره اموال تحصیل‌شده از جرم نیز حکم کرد.

براساس مطالب بالا می‌توان نتیجه گرفت که تشدید مجازات جاعلان اسکناس در کد جزای افغانستان، دو حالت را پیش‌بینی کرده که عبارت است از: تنزل ارزش پول افغانی، یا تزلزل اعتماد بازارهای داخلی یا خارجی. در صورت احراز این دو حالت، مرتکب به یک درجه بالاتر از مجازات اصلی جرم محکوم می‌گردد. در صورتی که جعل اسکناس انجام دهد، به یک درجه بالاتر یعنی حبس دوام درجه دو که حبس از ۱۶ تا ۲۰ سال است، محکوم می‌شود این حالات در قوانین ایران متفاوت است. طبق ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی تعزیرات، چنانچه مرتکب، مفسد شناخته شود، حتی به اعدام نیز محکوم می‌شود، در حالی که در کد جزا این‌گونه نیست. در صورتی که مفسد شناخته نشود، تشدید مجازات جاعلان اسکناس از حد کمتری برخوردار است و از حبس ۵ سال شروع شده که نسبت به تشدید مجازات در کد جزا کمتر است؛ اما تشدید مجازات در ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس، در صورت وجود حالات بالا و بانندی بودن جعل اسکناس،

به اعدام محکوم می‌شود.

۳) مجازات شروع به جرم جعل اسکناس

بدون شک، درباره جرم جعل اسکناس، صرف قصد انجام عملی تا زمانی که به منصفه ظهور و فعلیت نرسیده باشد، قابل مجازات نیست، بلکه مرتکب باید وارد «عملیات اجرایی» جرم گردد و تا وقتی نتیجه مورد نظر واقع نشود (از زمان ورود به عملیات اجرایی)، مرتکب هنوز در مرحله شروع به جرم قرار دارد (الهی منش، ۱۳۹۴، ص ۳۱۳).

شروع به جرم، عبارت از رفتاری است که مرتکب به منظور ارتکاب جرم انجام می‌دهد، اما به دلیل موانع خارج از اراده‌اش، قصد وی معلق شود و از انجام کار باز بماند. لزوم قصد ارتکاب جرم، شروع به اجرا، وجود موانع خارج از اراده و سرانجام عدم وقوع جرم مورد نظر، از شرایط تحقق شروع به جرم است که در رابطه با تشخیص شروع به جعل و تزویر باید ملاک عمل قرار گیرد. با این حال، تصور حالت شروع به جرم در پاره‌ای از مصادیق جعل و تزویر، چندان ساده نیست و تشخیص رفتار مرتکب در مرحله شروع، پیچیده است. مشکل تشخیص مرحله شروع به جرم از جرم تام، در استفاده از اسکناس معمول نیز وجود دارد. در این مورد مرز دقیقی را نمی‌توان برای شروع به جرم جعل در کل و جرم جعل اسکناس به صورت خاص ترسیم نمود؛ زیرا به طور معمول به مجرد شروع به استفاده از سند یا شیء جعلی، جرم تام محقق می‌شود. بنابراین، تشخیص شروع به جرایم که عنصر مادی آن مطلق است، بسیار به سختی صورت می‌گیرد؛ هر چند که امکان وقوع آن ناممکن و دور از ذهن هم نیست (آقایی نیا و رستمی، ۱۴۰۰، صص ۲۵۸ و ۲۵۹).

برای نمونه مرتکب، اعمال متقلبانانه را بر روی سند یا نوشته و یا چیز دیگر انجام داده، ولی هنوز تمام نکرده است. مثلاً اسکناس صد هزار ریالی تقلبی را درست کرده، ولی هنوز آخرین تصویری را که باید بر روی آن ترسیم یا چاپ می‌کرد، هنوز رسم و یا چاپ نکرده باشد. در این حالت، اسکناس ساخته شده هنوز شبیه اسکناس واقعی خوانده نمی‌شود و بنابراین، عمل شخص سازنده، جعل نیست، اما با توجه به انجام اقدامات اجرایی، وی را می‌توان با عنوان شروع به جعل اسکناس تعقیب کرد (میر محمد صادقی، ۱۳۹۷، ص ۳۴۸).

این نکته نیز باید بررسی شود که مسئله استفاده از اسکناس جعلی چگونه است؟ تحقق شروع به استفاده از اسکناس جعلی را چندان نمی‌توان تصور کرد. آن هم به این دلیل که منظور از استفاده بردن، فایده عملی نیست، و صرفاً ارائه کردن اسکناس جعلی، جرم استفاده را محقق می‌سازد. بنابراین، حالت بینابین، را که بتوان آن را شروع به استفاده از اسکناس جعلی دانست، نمی‌شود تصور کرد؛ یعنی یا عمل انجام شده ارتباط نزدیک و بی‌واسطه با استفاده از اسکناس جعلی نداشته، و در نتیجه، از مقدمات بعیده خوانده می‌گردد، یا اینکه جرم تام استفاده از اسکناس جعلی،

به محض ارائه آن به وقوع می‌پیوندد. (همان)

حقوق افغانستان به دو موضوع اتفاق و شروع به جرم پرداخته که قبل از عملیات اجرایی صورت می‌گیرد. در موضوع نخست، شروع به جرم بررسی می‌شود که شروع به جرم، یکی از مراحل مهم ارتکاب جرم است و مرتکب، پس از آنکه تصمیم به ارتکاب جرم می‌گیرد و مقدمات ارتکاب جرم را فراهم می‌کند، اقدام به شروع عملیات مجرمانه می‌نماید و در بعضی مواقع، شخص با آنکه وارد مرحله اجرایی جرم می‌گردد، نمی‌تواند مسیر ارتکاب جرم را تا نهایت طی کند و در میانه راه برخلاف میل خود، متوقف می‌شود. از نظر حقوقی به این عمل ناتمام مرتکب، شروع به جرم گفته می‌شود. شروع به جرم در برخی از جرایم، جرمانگاری گردیده و در مقابل، در برخی دیگر از جرایم، شروع به جرم، جرمانگاری نشده است (منصوری و طاهری، ۱۳۹۸، صص ۲۴۹ و ۲۵۰).

قانونگذار براساس فقره ۳ ماده ۲۸۵ کد جزا، شروع به جرایم جعل اسکناس مندرج در ماده ۲۸۴ را در حکم ارتکاب کامل جرم قرار داده و بنابراین، مرتکب به عین جزای فاعل محکوم می‌شود که البته این نوع سخت‌گیری برگرفته از سیاست جنایی خاص در قبال جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی است. (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۸، ص ۱۶۹) در خصوص جرایم وابسته به جعل اسکناس شروع به جرم، از احکام عمومی شروع به جرم استفاده شده که مرتکب جرایم وابسته به جعل اسکناس، مطابق ماده ۱۵۲ کد جزا مجازات می‌گردد.

برای شروع به جرم جعل و تزویر، در ماده ۵۴۲ قانون مجازات اسلامی تعزیرات، حکم خاصی مقرر کرده بود که در وضعیت فعلی قابلیت اجرا ندارد. این ماده بیان می‌داشت: «مجازات شروع به جعل و تزویر در این فصل، حداقل مجازات تعیین شده همان مورد خواهد بود.» این ماده به دلیل تعارضی که با ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی که سیاست جامع و یک‌دستی را در رابطه با مجازات شروع به جرم برگزیده، دارد، با ماده ۱۵ قانون کاهش حبس تعزیری ۱۳۹۹ به صراحت نسخ شده است (آقایی نیا و رستمی، ۱۴۰۰، ص ۲۵۹). ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی، مجازات شروع به جرم را براساس نوع و میزان مجازات بیان نموده که مقرر می‌دارد: «الف) در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، حبس دائم یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است، به حبس تعزیری درجه چهار؛ ب) در جرایمی که مجازات قانونی آنها قطع عضو یا حبس تعزیری درجه چهار است، به حبس تعزیری درجه پنج. پ) در جرایمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی یا حبس تعزیری درجه پنج است، به حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش» اصولاً ملاک اصلی برای تعیین مجازات شروع به جرم جعل اسکناس، ماده ۱۲۲ قانون ذکر شده است.

۱. شروع کننده به جنایت به مجازات ذیل محکوم می‌گردد. مگر این که در این قانون طور دیگری تصریح شده باشد: ۴.۱. در مواردی که جزای اصل جرم، حبس طویل باشد، به حبس قصیر.

در صورتی که شخصی مرتکب، شروع به جعل اسکناس ماده ۵۲۵ نماید، با توجه به اینکه مجازات حبس مقرر در این ماده درجه چهار خوانده میشود، براساس بند ب ماده ۱۲۲، به حبس یک درجه پایین تر (حبس درجه پنج) محکوم می شود؛ اما در صورتی که شروع به جعل اسکناس مشمول ماده ۵۲۶ گردد، اگر مرتکب، مفسد و محارب شناخته نشود، با توجه به مجازات مقرر در این ماده که حبس از پنج تا بیست سال است، و مطابق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی که حبس درجه دو است، مرتکب شروع به آن، مطابق بند الف ماده ۱۲۲ به حبس درجه چهار محکوم می شود. در صورتی که شخص، مرتکب شروع به افساد گردیده باشد و مجازات اصلی آن اعدام است، مطابق ماده یادشده، به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می گردد.

اتفاق یا تبانی، در لغت به معنای «با هم سازش کردن و هم دست شدن برای اقدام امری» (عمید، ۱۳۸۳، ص ۳۷۱). و در فرهنگ لغت حقوقی بلک «توافق دو یا چند نفر برای انجام عملی غیر قانونی» آمده است. مهم ترین مسئله ای که در خصوص جرم دانستن اتفاق یا تبانی، ذهن حقوقدانان را مشغول کرده، جرم دانستن این عمل است، در حالی که در مرحله «اندیشه مجرمانه» قرار می گیرد. مراحل ارتکاب جرم، در حقوق جزا به چهار مرحله (قصد مجرمانه، تهیه مقدمات، شروع به جرم و مرحله جرم تام) تقسیم بندی می شود و مسئولیت جزایی نیز به طور عموم، از مرحله شروع به جرم به بعد مطرح می شود. البته به استثنای یک مورد در تهیه مقدمات که اگر نفس تهیه مقدمات، جرم باشد، تهیه مقدمات نیز جرم شناخته میشود، همانند تهیه سلاح برای قتل دیگری. اتفاق یا تبانی هم، چون در مرحله تلاقی دو اراده برای ارتکاب قرار دارد، به نوعی شامل مرحله اندیشه مجرمانه قرار می گیرد. توافق بر جرم، در نظام حقوقی افغانستان جرم دانسته شده و در جرایم جعل، به دلیل سودی که دارد و نیز به دلیل پیچیدگی در ارتکاب آن، ممکن است مرتکبان، به صورت تبانی و اتفاق، عمل مجرمانه را انجام دهند. از این جهت قانونگذار در فقره ۳ ماده ۲۸۵ کد جزا، اتفاق در جرایم جعل اسکناس مقرر در ماده ۲۸۴ را در حکم ارتکاب جرم کامل دانسته است (منصوری و طاهری، ۱۳۹۸، ص ۲۴۹).

نتیجه گیری

اسکناس های جعلی و بدون پشتوانه، موجب کاهش ارزش پول و افزایش قیمت کالا و خدمات می شود. آسیب این جرایم به آسایش عمومی کشور به ویژه در زمانی که در سطح کلان باشد، امر کاملاً روشن و بدیهی است. جعل اسکناس یکی از خطرناک ترین جرایم است که اعتماد مردم را نسبت به اسکناس سلب می کند و داد و ستد آنها را با مشکل روبه رو می سازد و از آن جهت که جرایم جعل اسکناس، در نظام اقتصادی اخلال ایجاد می کند و یا به نظام پولی و بانکی آسیب می رساند، با مرتکبان آن باید برخورد جدی و قاطع صورت گیرد. یکی از دلایلی که قانونگذاران کشورها به ویژه افغانستان و ایران مجازات های شدیدی برای مرتکبان این جرم در نظر گرفته اند، همین موضوع است. با پژوهشی که صورت گرفته، نقاط قوت و

ضعف قوانین افغانستان و ایران و نیز تفاوت‌های موجود بین این دو نظام حقوقی به شرح ذیل است:

مصادیق رفتارهای مشمول عنوان جعل اسکناس، در حقوق ایران تنها به ساختن اسکناس جعلی بسنده کرده، اما در حقوق افغانستان موارد بیشتری در ذیل این عنوان قرار داده شده است. برای مثال، در حقوق افغانستان دستکاری کردن و ساختن بانک‌نوت جعلی منقش یا سفید (به شکل کامل یا غیر آن) ذیل عنوان جعل اسکناس قرار گرفته است.

مجازات شروع به جرم جعل اسکناس، در حقوق افغانستان شدت بیشتری دارد و به دلیل خطرناکی این جرم و فرارگرفتن در ذیل جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، شروع‌کننده، به مجازات جرم تام محکوم می‌گردد؛ اما شروع به این جرم، در حقوق ایران خفیف‌تر است و مطابق عمومات طبق ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی عمل می‌شود.

به دلیل اینکه جرم جعل اسکناس از زمره جرایم خطرناک خوانده می‌شود، چنانچه کسی خارج از کشور مرتکب جعل اسکناس شود، آن شخص را می‌توان به استناد صلاحیت واقعی مشمول پیگرد قرار داد و صلاحیت سرزمینی در این خصوص استثنا گردیده است.

تفاوت بین مجازات جعل اسکناس در حقوق افغانستان و ایران، در این است که در برخی موارد مثل جرم عادی جعل اسکناس، در حقوق افغانستان قانون‌گذار مجازات بیشتری برای مرتکب در نظر گرفته؛ اما در حقوق ایران این مجازات خفیف‌تر است. در مقابل، در خصوص تشدید مجازات، قانون‌گذار ایران مجازات شدیدتر برای مرتکب معین کرده و حتی گاهی مجازات اعدام نیز برای آن در نظر گرفته است.

موضوع جرم جعل اسکناس، در حقوق ایران به صورت پراکنده، در قوانین مختلف، جرم‌انگاری شده است و استفاده از این قوانین، محکومیت متهم را دشوار می‌سازد و سبب سردرگمی حقوق‌دانان می‌گردد. بدین ترتیب، پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار ایران به‌صورت جدی به این مسئله بپردازد و مقررات موضوع جرم جعل اسکناس را زیر یک قانون واحد جرم‌انگاری نماید. لازم به یادآوری است، قوانین موجود در حقوق ایران درباره جعل اسکناس، منسوخ نبوده و هرکدام با توجه به شرایط خاص خودش استفاده شده و لازم‌الاجراست.

در حقوق افغانستان جمع بین اسکناس، سکه و توکن‌ها زیر یک فصل، به نظر منطقی نیست و به دلیل اهمیت این جرم، بهتر است قانون‌گذار به‌صورت مستقل به جرم‌انگاری جرم جعل اسکناس بپردازد. برای اینکه جرایم جعل اسکناس کاهش یابد، در مرحله چاپ اسکناس از علایم و نشانه‌های با امنیت بالا استفاده شود تا کسی نتواند این علایم و نشانه‌ها را جعل کند و تعویض به هنگام اسکناس نیز سبب کاهش جعل اسکناس می‌شود.

در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی قید ترویج کردن اسکناس جعلی نیامده و برای هماهنگی بین مقررات و قوانین دیگر پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار این قید را اضافه کند.

ضابطه عمده و کلان بودن در قانون اخلاص گران، در نظام اقتصادی کشور معین نگردیده است. با توجه به اختلاف آرا در این مورد، بهتر است ضابطه‌ای که مبین ملاک میزان عمده و کلان بودن است، معین و به آن تصریح شود.

منابع

۱. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، تهران: نشر میزان، چ پنجاه و هفتم، ۱۳۹۸.
۲. منصوری، انارگل و غلام یحیی طاهری، حقوق جزای اختصاصی ۲، کابل: بنیاد آسیا، چ اول، ۱۳۹۸.
۳. آزادفر، محمد صادق و ایمان رحیمی نیت، «بررسی ماهیت حقوقی ایران چک و تأثیر جعل آن در تحقق جرم اخلال در نظام اقتصادی»، فصلنامه کارآگاه، شماره ۳۶، ۱۳۹۵.
۴. آقایی نیا، حسین و هادی رستمی، حقوق جزای اختصاصی ۲ جرایم علیه مصالح عمومی کشور، تهران: میزان، چ اول، ۱۴۰۰.
۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، جلد ۸، تهران: دانشگاه تهران، چ اول، ۱۳۷۳.
۶. دیرباز، مرضیه، «جعل اسکناس در قوانین ایران»، فصلنامه تعالی حقوق، شماره ۸ و ۹، ۱۳۹۰.
۷. ساریخانی، عادل، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، قم: دانشگاه قم، چ اول، ۱۳۸۳.
۸. ساکی، محمدرضا، حقوق کیفری اقتصادی، تهران: جنگل جاودانه، چ چهارم، ۱۳۹۶.
۹. سپهوند، امیرخان، تقریرات درس تعزیرات اسلامی، اداره کل آموزش قوه قضاییه، ۱۳۷۸.
۱۰. سلیمان پور، محمد، جعل اسناد در حقوق ایران و نظر تطبیقی، تهران: گنج دانش، چ یکم، ۱۳۴۱.
۱۱. شامبیاتی، هوشنگ، «جعل اسکناس و اوراق بهادار»، ماهنامه دادرسی، سال دوم، شماره ۷، ۱۳۷۷.
۱۲. شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه مصالح عمومی کشور)، جلد ۲، تهران: مجد، چ دوم، ۱۳۹۸.
۱۳. شریفی گرم دره، ابراهیم، مطالعه تطبیقی قلب سکه و جعل اسکناس در حقوق ایران و انگلستان، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۱.
۱۴. شیرینی، عباس، جعل و تزویر، تهران: میزان، چ اول، ۱۳۹۸.
۱۵. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چ سی ام، ۱۳۸۳.
۱۶. غلامی، حمیدالله، حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه منفعت عامه، اشخاص و اموال)، کابل: نشر واژه، چ اول، ۱۳۹۹.
۱۷. گروهی از نویسندگان، شرح کود جزا، جلد ۱، کابل: بنیاد آسیا، چاپ اول، ۱۳۹۸.
۱۸. _____، شرح کود جزا، جلد ۲، کابل: بنیاد آسیا، چاپ اول، ۱۳۹۸.
۱۹. گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، دانشگاه تهران: چاپ بیست و سوم، ۱۳۹۶.
۲۰. منصورآبادی، عباس و محمدجواد فتحی، جعل و تزویر و جرایم وابسته، تهران: سمت، چ چهارم، ۱۳۹۸.
۲۱. مؤسسه حقوقی نواندیشان عدالت گستر صبا، حقوق کیفری اقتصادی، تهران: نشر جنگل جاودانه، چ اول، ۱۳۹۷، ص ۹۳.

۲۲. میر محمد صادقی، حسین، حقوق جزای عمومی ۱، تهران: دادگستر، چ دوم، ۱۴۰۰.
۲۳. _____، حقوق کیفری اختصاصی (۳) جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: میزان، چ سی و هفتم، ۱۳۹۷.
۲۴. ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای اختصاصی، جلد ۳، تهران: غروب (خرمی نژاد)، چ اول، ۱۳۷۱.
۲۵. _____، حقوق کیفری اقتصادی جرایم علیه امنیت اقتصادی، جلد ۲، تهران: نشر جنگل، چ اول، ۱۳۹۳.
۲۶. الهی منش، محمدرضا و محسن مرادی اوجقاز، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: نشر مجد، چ اول، ۱۳۹۴.
۲۷. یزدیان جعفری، جعفر، مختصر حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اشخاص، اموال، دولت و ملت)، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ اول، ۱۳۹۵.